



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۴۸ ■ ۳۰ بهمن ۱۳۹۹

نوجوان
ج.م.ج

هر نظری می دادیم قبول می کردند و خودشون هم نظر ما رو درباره صحنه ها و دیالوگ ها می پرسیدن. کلا کاری که با عشق انجام بشه همه چیزش شیرین میشه. آقای جعفری هم به کارشون عشق دارن.

آگه به روزی بهت کارندن و هیچ سفارش بازیگری نداشتی باشی چیکار می کنی؟

میشم همون میلاد قبل، همون میلادی که هیچ فکری برای آینده اش نداشت و فقط صرفا می گفت خب به رشته ای انتخاب می کنم و یک دانشگاهی میرم و تحصیل می کنم. البته با این تفاوت که الان آینده برام مهمتر شده و قطعاً راه جایگزین پیدا می کنم. دقیقاً مثل پله برقی که داری میری بالا اما یهو می بینی برقش رو قطع کردن یا مسدود شده. پس باید برگردی پایین و از به راه دیگه بری به سمت بالا. البته الان به به نقطه ای توی مسیرم رسیدم و فعلاً دوست دارم ادامه اش بدم.

بازیگر مورد علاقت کیه؟

نوید محمدزاده.

اگر تو رو بذارن سردو راهی و بگن یا باید درس بخونی یا بازیگر

بشی، کدوم رو انتخاب می کنی؟

درس می خونم. قبلاً هم گفتم که بازیگری به نظرم به شانس هم بستگی داره. ترجیح میدم درس بخونم تا اگه به زمان نتونستم کار هنری رو ادامه بدم، بیکار نشم. [E]



این نسل هستی، از تفاوت ها و شباهت های این دو نسل بگو.

من خیلی تلاش کردم به نوجوون اون دوران نزدیک بشم. مثلاً موقع فیلمبرداری و حتی پشت صحنه گوشی همراهم رو دستم نمی گرفتم تا قشنگ حس کنم نوجوون این نسل نیستم و نقشم خوب از آب دربیاد. حتی بعضی موقع ها می شد غذا نمی خوردیم، نه این که به موقع فکر کنید غذا نبود، نه اتفاقاً خوب هم به ما رسیدگی می کردن ولی ما خودمون این طور می خواستیم و دوست نداشتیم که فیلم بی مفهوم بشه. دوست داشتیم سختی های اون زمان رو درک کنیم. البته منظورم این نیست که نوجوون این نسل راحت طلبه نه، اما به نظرم هر چیز جدیدی که وارد این دنیا بشه، نوجوون این نسل هم داره با همون شرایط پیش میره و پیشرفت می کنه و خب یکم سختی کشیدن برای نسل ما تغییر کرده.

ارتباطت با فضای مجازی چه جوریه؟

کلاً به نظرم جالب نیست من حتی صفحه شخصی هم ندارم. بیشتر اهل ورزش هستم. حتی تبلیغ فراخوان بازیگر رو هم توی گوشی کس دیگه ای دیدم.

تفریحت چیه؟

موسیقی گوش می کنم اونم «بستکی»؛ موسیقی اصیل جنوبی.

مشهور شدن یا محبوب شدن؟

قطعاً محبوب شدن. به نظرم وقتی مشهور بشی و مردم دوست نداشته باشند هیچ فایده ای نداره ولی محبوب که باشی همه دوستت دارند. یکی از چیزهایی که اصلاً دوست ندارم اینه که بعد از شهرت خودمو بگیرم و رفتارم با مردم فرق کنه.

یعنی دوست نداری همه بشناسنت؟

هرکسی کار خودش و شخصیت خودش رو داره. مثلاً آگه من کارگردان سینما باشم و فقط اهالی سینما منو بشناسن خودش کافیه. حالا در مورد بازیگری یکم فرق می کنه. چون تو باید توسط مردم پذیرفته بشی تا کارت رو بپسندن و دوست داشته باشن بازی تو رو تماشا کنن.

رابطه ات با دوستان چطوریه؟

از روزی که من اومدم تهران ۱۳۹ تا الان پیام به دستم رسیده که میگن میلاد رفتی تهران هوای ما رو هم داشته باش. دوست خوب و صمیمی من، کسی که از بچگی با هم بزرگ شدیم که اسمش هوشمند جعفریه. ولی واقعاً رفتارم با دوستانم تغییر نکرده و نخواهد کرد. اتفاقاً لحظه شماری می کنم برگردم آبادان پیششون.

کارکردن با آقای جعفری چطور بود؟

خیلی عالی بود. همیشه شنیده بودم ممکنه کارگردان یا فیلمبردار سر صحنه از الفاظ درستی استفاده نکنه یا بد اخلاقی کنه. مخصوصاً با کسانی مثل من که کم تجربه هستیم. اما آقای جعفری بسیار مرد شریف، مهربان و با اخلاقی هستن. حتی

به نظرم من جایزه مو گرفتم. همین که توی سینما هستم خودش به جایزه بزرگ واسم. توی کل ایران نوجوون با استعداد زیاده. تو شهر خودمون آبادان، فقط من به یدو نیستم بلکه هزاران یدو می بینید. فقط هم بازیگری نیست، بچه های ایران همه مستعد هستن، هر کسی توی به زمینه. ولی مثلاً ما در آبادان حتی تئاتر خوب هم نداریم که یک نوجوون بره با خیال راحت نمایش تئاتر ببینه یا اگر علاقه داشت وارد تیم هاش بشه.

فکر می کنی بازیگری برات به راحتی ادامه پیدا می کنه؟

من می دونم که سینما بگیر نگیر داره. حس می کنم به حالت شانسی داره، مثلاً یک دفعه می گیره و میشی نوید محمدزاده یک دفعه هم نمی گیره و هر دو سال فقط یک فیلم بهت سفارش میدن. البته تو باید تلاش کنی ولی خب عوامل دیگه ای هم برای موندن توی دنیای سینما دخالت داره.

در سینمای جهان چی؟ به نظرت موضوع نوجوان جدی تر نیست؟

به نظرم کشورهای دیگه حتی به بازیگری که برای اولین بار بازی کرده یا کسی که برای اولین بار فیلم ساخته خیلی رسیدگی می کنن و وقتی بدونن یک نفر به بازیگری علاقه داره و استعدادشو داره، مراقبش هستن تا به جایی که حقشه، برسه. اما اینجا متأسفانه خیلی ها هستن با بهترین استعداد اما کسی به این افراد حتی اهمیتی نمی ده. یا ممکنه به بازی انجام بده و توش بدرخشه ولی بعد دیگه فراموش بشه.

کجا باید به این افراد اهمیت بدن؟

اولاً نباید همه چیز توی پایتخت یا شهرهای بزرگ منحصر بشه. ولی فکر می کنم اصل این اتفاق روی دوش آموزش و پرورشه که استعداد بچه ها رو از کودکی و نوجوانی کشف کنه و پرورش بده.

یه خواسته خطاب به وزیر آموزش و پرورش بگو.

آگه بخوام برای نوجوون های کل کشور بگم حتماً می خوام که امکاناتی فراهم بشه چه برای کسانی که زیر خط فقر هستن و چه کسانی دیگه؛ خلاصه هر کسی که دوست داره وارد دنیای هنر و به خصوص سینما بشه؛ که استعدادشو کشف کنن و کلاس های آموزشی برگزار کنن. استعداد های مختلف ما نوجوون ها باید مورد توجه معلم ها و مدرسه قرار بگیره. اما آگه بخوام برای شهر خودم بگم. حتماً میگم تئاتر شهر آبادان اون چیزی که باید باشه، نیست و اصلاً رسیدگی نمی کنن. به تئاتر توی مدارس لاقال توجه کنین.

برگردیم به فیلمی که بازی کردی. حرف حساب یدو چیه؟

به نظرم خیلی از فیلم هایی که حماسی یا بهتره بگم جنگی هستن و الان ساخته میشه صرفاً فضای خط مقدم رو به نمایش میذارن. کمتر شرایط زندگی عادی مردم در اون زمان رو به تصویر کشیدن. مخصوصاً توی شهرهایی که درگیر جنگ بودن مثل آبادان. توی یدو زندگی جاریه اما در شرایط جنگی.

تونقش یک نوجوون نسل قبل رو بازی کردی و خودت نوجوون



زیبای سیاه (۲۰۲۰) دو تا فیلم با این اسم هست. مراقب باشین ۲۰۲۰ باشه.

همه نوجوان ها حداقل یک بار به این موضوع فکر کرده اند که با یک اسب برون وسط جنگل (البته آگه همه درختاش نسوخته باشن و زغال نشده باشن) تک و تنها زندگی کنند و صبح به جای کلاس های آنلاین و غیر آنلاین با اسب شان دنبال پرند ه ها و خرگوش ها بدوند برای ناهار و بعد از ظهر دنبال مواد لازم برای یک سالاد سبک. حالا همه هم فکر نکرده باشن یکی بینشان فکر کرده که آن هم منم و برای همین کلا فیلم هایی که اسب دارن را خیلی دوست دارم.

«زیبای سیاه» داستان یک اسب سیاه وحشی است که با یک نوجوان پرنشرو شور دوست می شود؛ البته این نوجوان مثل من دوست ندارد برود در یک جنگل زندگی کند. به خاطر همین با خانواده اش زندگی می کند. دوستی با اسبش را هم در کنارش ادامه می دهد (مثل همون پروتجری، هنرت رو هم در کنارش ادامه بده). این فیلم محصول همین ۲۰۲۰ خودمان است و یک درام خانوادگی را در ۱۱ دقیقه روایت می کند. روایت یک تیم شکست ناپذیر از یک دختر و یک اسب وحشی...



زیبای سیاه

سندکمپانی و برگ سبز و کلیه اسناد سواری کار نیسان پاترول ۲ درب، مدل ۱۳۷۷، رنگ بشمی کرم متالیک، شماره موتور: 224046920Z شماره شاسی: PNK152620133 شماره پلاک: ۷۱۱ د ۱۶ - ایران ۴۶ بهنام بهاره قاسمی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو پراید جی ال ایکسی مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره ای متالیک، شماره انتظامی ایران ۶۷ - ۶۷ ج ۵۵۶۶، شماره موتور 2054247 شماره شاسی: S1412286356537 بهنام طاهره رضوانی فینی مفقود و فاقد اعتبار می باشد.

کارت ملی، شناسنامه، بیمه ماشین، برگ سبز خودرو پژو مدل ۱۳۸۲ رنگ بژ شماره پلاک ایران ۷۷ - ۳۲۷ ۹۸ شماره شاسی 82014076 بهنام عباس شهرابی فراهانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.